

متن ارائه شده در مراسم افتتاحیه دومین گردهمایی سراسری درباره کشتار زندانیان سیاسی در ایران توسط مؤسسه ارسی

## مقدمه و هدف گردهمایی

# ما بارگه دادیم، این رفت ستم برما برکاخ ستمکاران، تا خود چه رسد خذلان!

تاریخ ما، تاریخ استمرار ستمکاری و سرکوب آزادی خواهان و انقلابیون است. تاریخ ما، تاریخ نبرد دلاورانه زحمتکشان، روشنفکران و انقلابیون بر علیه بهره کشان، دیکتاتورها و مرتجعین است. تاریخ ما، تاریخ طناب دار و شلاق شکنجه گر است. تاریخ ما، تاریخ قیام ها و انقلاب هاست برای برهم زدن نظام های فرتوتی که مانع رشد و شکوفایی توانایی های انسانی می شوند...

اما ستمکاران، باور ندارند که سرنوشت سرکوبگران و جنایتکاران پیشین در انتظارشان است. گویی همچون محمد علی شاه قاجار به سپاه قزاق دل بسته اند که مجلس شورای ملی را به توپ می بندد و مخالفین استبداد قاجار را دستگیر می کند... در همان روز سیاه به توپ بستن مجلس بود که مستبد قاجار در باغشاه نشسته بود تا قزاق ها آزادیخواهان و انقلابیون صدر مشروطه را دستگیر کنند و به محضر سلطان بیاورند. در باغشاه طناب به گردن دستگیرشدگان می انداختند و آنان را در پیش روی محمدعلی شاه خفه می کردند. از جمله دستگیرشدگان آن روز، ملک المتکلمین و میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل بودند. در لحظاتی که طناب را برگردن دو فرزانه انقلاب مشروطه انداخته بودند تا از خفه کردن آنان، شاه مفلوک احساس «قدرتمندی» و پیروزی بر مخالفین را به دست آورد، ملک المتکلمین با آخرین جملات خود، سرنوشت محتوم شاه قاجار را پیش بینی کرد:

ما بارگه دادیم، این رفت ستم برما

بر کاخ ستمکاران، تا خود چه رسد خذلان!

استبداد صغیر، علی رغم تمامی بی رحمی ها و قساوت قزاقان، با شکستی مفتضحانه پس از 9 ماه در هم شکست و تهران به دست انقلابیون و آزادیخواهان آزاد گشت. سرنوشت مستبد قاجار و خاندانش بر همگان معلوم است، ولی از سرنوشت مرتجعین شکست خورده، سلسله پهلوی نیز نیاموخت و با قیام بهمن 1357 سرنگون شد. حکومت فعلی نیز با برپا ساختن چوبه های دار در شهرها و اعدام های گسترده از سرنوشتی که در انتظارش است، نخواهد گریخت. دولت نظامی-پلیسی کنونی به همان دلایلی کشتارهای کنونی را سازمان داده و می دهد که کشتارهای دهه شصت را سازمان داده بود. هراس از جنبش های مردمی و پیوند آن ها با یکدیگر چنان حکومت را آشفته ساخته که چهره واقعی خویش را بر همگان بیش از پیش آشکار ساخته است.

برگزاری گردهمایی سراسری، با پیش بینی اوج گیری فضای سرکوب و نیز اهمیت دفاع از جنبش های فعال اجتماعی و طبقاتی همراه بوده است. فعالین دستگیر شده این جنبش ها، «زندانیان سیاسی گمنام» زندان های جمهوری اسلامی هستند، که در تمامی سال های حکومت رژیم کنونی بخش اعظم زندانیان سیاسی کشور را تشکیل می داده اند. با این همه، چه در کشتارهای فراموش نشدنی دهه شصت و چه در روزهای کنونی، توجهی درخور شان و اهمیت این طیف از زندانیان سیاسی ایران نشده است. سخن گفتن از انبوه جانفشانان و جانباختگان کشتارهای سراسری سال های 1360 و 1367، سخن گفتن از یاران و همبندان ماست که هویت معین سیاسی و طبقاتی داشته اند.

بسیاری از آنان در حین فعالیت سیاسی و تشکیلاتی، در ارتباط با یکی از جنبش های فعال اجتماعی قرار داشته اند. کارگرانی بوده اند که در محیط کار و کارخانه برای آگاهی همکارانشان، دفاع از حق تشکل آنان، تشکیل صندوق اعتصاب و یا همیاری کارگران و اقداماتی از این دست به زندان افکنده شدند، شکنجه های سخت را تحمل کردند و سرانجام بسیاری از آنان به جوخه های اعدام و یا چوبه های دار سپرده شدند. مردم تحت ستم ترک، کرد، ترکمن، عرب و بلوچ بسیاری در زندان ها به اسارت گرفته شدند تا از در خواست حقوق خود چشم پوشی کنند. زنان، نه فقط در روزهای کنونی، بلکه از همان ماه ها و سال های نخست به قدرت رسیدن اسلامیون، نقش فعال سیاسی و اجتماعی ایفا کردند. پاسخ خود را از حکومت با انبوه

دستگیری ها و اعدام ها دریافت کردند. پرشورترین بخش جنبش های پیشرو و مبارز را شاید بتوان در جنبش جوانان به طور اعم، و جنبش دانشجویان و دانش آموزان به طور اخص یافت. مبارزه برای آینده ای بهتر، فعالیت های خلاقه فکری و روشنفکری، همدلی و همدردی با طبقات و اقشار پائینی جامعه مختصات بارز جنبش جوانان بوده است که خشم حکومت را برمی انگیزد. ضدانقلاب فرهنگی در سال 1359 و ضدانقلاب فرهنگی دوم در دوره کنونی، بن بست جمهوری اسلامی را در سرکوب و یا به خاموشی کشاندن جنبش جوانان آشکار می سازد.

دومین گردهمایی سراسری درباره کشتار زندانیان سیاسی، این بار تلاش دارد، کشتارهای دهه شصت و نیز سرکوب ها و اعدام های کنونی را از منظر اجتماعی و طبقاتی آن مورد پژوهش و روشنگری قرار دهد. زاویه نگرشی که ابعاد انسانی، سیاسی و آرمان های جانفشانان و جانباختگان زندان های سیاسی ایران را با جایگاه و خاستگاه آنان پیوند می دهد و از این طریق امکان ترسیم تصویری واقعی تر از مقاومت مردم کشورمان برعلیه دژخویی رژیم جمهوری اسلامی را فراهم می آورد. حاصل کار، شاید تلنگری باشد بر اذهان جستجوگر، که گام هایی فراتر برای شناخت تاریخ معاصر کشورمان و حوادث دوره کنونی که ضروری است لازم، بردارند.

\*\*\*

باری، با این امید که گردهمایی سه روزه را با همیاری یکدیگر، نقطه عطفی سازیم برای توقف اعدام ها، مبارزه برای آزادی همه زندانیان سیاسی و مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی. از سوی کمیته برگزارکننده دومین گردهمایی سراسری درباره کشتار زندانیان سیاسی در ایران به همه شما عزیزان خوش آمد می گویم.